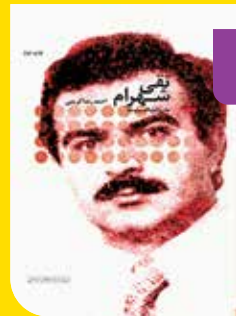


تقی شهرام به روایت اسناد ساواک



■ احمدرضا کریمی
■ مرکز اسناد انقلاب
اسلامی
۱۳۹۹

نام تقی شهرام، برای کسانی که مبارزات گروه‌های مسلح دهه‌های چهل و پنجاه شمسی را پیگیرانه دنبال کرده‌اند، مهم است. کتاب حاضر دربردارنده همه فصول زندگی سیاسی تقی شهرام است؛ از بدو عضوگیری به وسیله موسی خیابانی در پاییز سال ۱۳۴۸، تا اعدام وی در تابستان ۱۳۵۹. تشابه تاکتیک‌ها و ترفندهای تقی شهرام در دهه پنجاه و مسعود رجوی در دهه‌های شصت و هفتاد از مباحث برجسته این کتاب است.

تبار ترور



■ محمدصادق کوشکی
■ مرکز اسناد انقلاب
اسلامی
۱۳۸۷

نظام جمهوری اسلامی و شهروندان آن قربانی وسیع‌ترین حرکت سازمان‌یافته تروریستی شد که در قالب «سازمان مجاهدین خلق» نظام یافته بود و به اشکال مختلف از سوی دولت‌های غربی مورد حمایت قرار گرفت. اثر حاضر گام کوچکی در مسیر اثبات پژوهش‌گرانه و مستند گوشه‌هایی از فعالیت‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق در گستره‌ی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد درون‌سازمانی است.

خداوند اشرف از ظهور تا سقوط



■ سیدحجت
سیداسماعیلی
■ مرکز اسناد انقلاب
اسلامی
۱۳۹۳

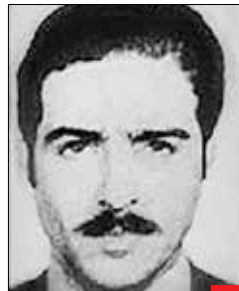
رهبری مجاهدین با عینک انقلاب ایدئولوژیک هویت انسان‌ها را به‌عنوان مقوله‌ای یک‌دست تحت تأثیر عقاید قرون وسطایی و فرقه‌ای خود قرار داد. درحالی‌که چنین هویت «خالص و ناب» هرگز واقعیت تاریخی نداشت و برگرفته از آگاهی‌های ناقص از اسلام و مارکسیسم بود که لاجرم رجوی را وادار به تبعیت از یک ایدئولوژی التقاطی می‌کرد که در ریشه، از همان اصول بنیادگرایی که بر تاروپود تشکیلات مجاهدین حاکم بود، نشأت می‌گرفت.



مرتضی صمدیه لیاف



مجید شریف وافی



حمید اشرف



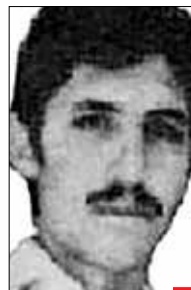
بهروز ارمانی



تقی شهرام



محمد توکلی خواه



بهرام آرام



وحید افراخته



حسین سیاه کلاه

چرخش و حذف

درباره کتاب بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ نوشته مظفر مهرآبادی

مارکسیستی داشت، فعالیت می‌کرد، لذا مذهب‌یون وظیفه خود دانستند که از این گروه که خود را مسلمان و انقلابی معرفی کرده بودند، حمایت کنند.

پس از شناسایی سازمان و انهدام آن توسط ساواک در سال ۱۳۵۰، رهبری سازمان به عهده کسانی افتاد که هم گرایش‌های مشخص‌تر مارکسیستی داشتند و هم آن پایبندی اعضای اولیه را نداشتند. در سال ۱۳۵۴ با قرار گرفتن تقی شهرام و بهرام آرام در کادر مرکزی سازمان مجاهدین و با توجه به زمینه فکری آن‌ها، مارکسیسم به عنوان ایدئولوژی و روش مبارزه پذیرفته شد و دین اسلام فاقد انگیزه لازم برای نبرد مسلحانه تشخیص داده شد.

در اواخر اسفند ۱۳۵۳، رئیس «کمیته مشترک ضدخرابکاری» و راننده او توسط یکی از گروه‌های چریکی شهری به قتل رسیدند. وقتی اعلامیه ترور انتشار یافت، معلوم شد که عملیات مزبور توسط سازمان مجاهدین خلق انجام شده است. این اعلامیه با وجود تأثیر بسزایی که ترور مزبور از جهت بالا بردن سطح مخالفت با رژیم و فضای مبارزاتی در اذهان باقی گذاشت، نگرانی‌هایی را در میان نیروهای اسلامی جامعه پدید آورد. در اعلامیه منتشره به مناسبت این ترور، دو نشانه نگران‌کننده به چشم می‌خورد، یکی اینکه عنوان «به نام خدا و به نام...» حذف شده بود و دیگری اینکه آرم سازمان در سمت چپ اعلامیه، بدون آیه قرآن «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیم» درج شده بود.

چند ماه بعد، رژیم از حوادثی سخن

پهلوی را از طرف دیگر نشان می‌دهد. واقعه ۱۵ خرداد و واکنش شدید رژیم پهلوی در برابر این پدیده، روند تشکیل گروه‌های چریکی را تسریع کرد. بررسی دفاعیات بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین و چریک‌های فدایی واقعیت فوق را به وضوح نشان می‌دهد.

بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق، دانشجویان جوانی بودند که با هواداری از نهضت آزادی ایران در دانشگاه‌ها به فعالیت می‌پرداختند، اما چون رهبران آن‌ها را به اندازه کافی انقلابی نیافتند، دست به تشکیل این گروه زدند تا به زعم خود مبارزه با رژیم پهلوی را از رخوت و سستی که به آن دچار شده بود، بیرون آورند. با نگاهی به افکار و دیدگاه‌های بنیان‌گذاران معلوم می‌شود که اگرچه آن‌ها برخاسته از خانواده‌های مذهبی بودند و زمینه‌های دینی داشتند، اما از جریان چپ و به اصطلاح مارکسیستی تأثیر پذیرفته بودند، یا حداقل میان اسلام و مارکسیسم، هیچ‌گونه تناقض و اختلاف به‌خصوص در مسائل اجتماعی و اقتصادی نمی‌یافتند. آنان ضمن مطالعه قرآن و نهج‌البلاغه، آثار مارکس، لنین و مائو را با حرارت و علاقه مطالعه می‌کردند، حتی روش‌های سیاسی را به عنوان «شیوه مبارزه» سخت می‌ستودند.

با تشکیل رسمی سازمان بخشی از روحانیون، از آنان حمایت کردند. با توجه به اینکه فعالیت این گروه، مخفیانه و زیرزمینی بود، امکان شناخت دقیق آنان برای افراد مذهبی میسر نبود، چون هم‌زمان با تشکیل آن، سازمان چریک‌های فدایی خلق که افکار

محمود فاضلی پژوهشگر

یکی از اولین کتاب‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بررسی مستقل اختلافات ایدئولوژیک در داخل سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ پرداخته است، کتاب «بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴» نوشته مظفر مهرآبادی است که در بهار سال ۱۳۸۴ در تیراژ ۳ هزار نسخه و در ۴۲۵ صفحه از سوی انتشارات «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» به چاپ رسید. در این کتاب، حکایت ارتداد مرکزیت مجاهدین خلق (منافقین) در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۴۲ و ریشه‌ها و مبانی التقاط نهفته در آموزش‌ها و باورهای این گروه، تشریح و بررسی شده است. گفت‌وگوهای مستقیم با برخی از موثران و شاهدان آن رویداد، ارائه اسناد بی‌واسطه از مسببان تغییر ایدئولوژی و نقل آرا و نظرات گوناگون درباره حوادث آن سال‌ها، از جمله مطالب این کتاب است که با دقت، گزینش و ویرایش شده و برای ثبت در تاریخ و آگاهی نسل‌های بعدی، انتشار یافته است.

تشکیل گروه چریکی در اواخر دهه چهل و توسل آن‌ها به جنگ مسلحانه، نتیجه ارزیابی بنیان‌گذاران آن‌ها از به بن‌بست رسیدن شیوه‌های مبارزه اسلاف آن‌ها بود. نگاهی به فعالیت‌های سیاسی احزاب مارکسیستی و نیز احزاب ملی به وضوح ناکامی‌ها در برقراری ارتباط با مردم از یک طرف و نیز عدم ارزیابی رژیم